

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۲۸

سیده زهرا
ملک جعفریان *

تربیت فرزند در مکتب رضوی

چکیده

تربیت، شکوفاسازی استعدادها و جهت‌دهی آن به سوی کمال مطلوب و ضروری‌ترین نیاز انسان در زندگی است.

عالی‌ترین هدف پیامبران و اساسی‌ترین پیام کتب و اولین و ضروری‌ترین وظیفه والدین تربیت است. ضرورت و اهمیت تربیت، والدین را بر آن می‌دارد که به این مسئولیت اهمیت دوچندان داده و با الگو گرفتن از مریبان موفق در انجام دادن این وظیفه مهم بکوشند.

این مقاله بر آن است تا نکاتی از سیره تربیتی امام رضا (علیه السلام) در تربیت فرزند را با توجه به سیره آن حضرت با استفاده از منابع روایی و تاریخی بیان نماید.

واژگان کلیدی: تربیت، امام رضا، فرزند، سیره‌ی امام رضا (علیه السلام)

طرح بحث

یکی از سعادت‌های خانواده، داشتن فرزند است و فرزندان به فضای خانه و خانواده، گرمی و نشاط خاصی می‌بخشند. به ندرت دیده می‌شود خانواده بی‌فرزند، در مسیر طبیعی خود سیر کند. هنگامی که خداوند متعال به والدین فرزند عطا می‌کند، مهمترین امر، تربیت اوست. بی شک معصومان (علیهم السلام) موفق‌ترین مریبان و سیره‌قوی و عملی آنها، مطمئن‌ترین الگو برای والدین در امر ظریف و پر پیچ و خم تربیت است.

امام رضا (علیه‌السلام) به عنوان یک انسان کامل و ولی‌الله، احیا کننده همه صفات برجسته و شایسته اخلاقی بود.

سیره تربیتی امام رضا (علیه‌السلام) که دارای پشتوانه دینی است می‌تواند بهترین الگو و مبنا در جهت تربیت فرزندان قرار گیرد

امام رضا (علیه‌السلام) به عنوان الگوی فکری و رفتاری مسلمانان، شیوه‌های تربیتی خاصی را مطرح نموده‌اند که لازم است والدین برای رشد و بالندگی فرزندان با این روش‌ها و آداب تعلیم و تربیت آشنا بوده و از آن بهرمنند شوند.

تشکیل خانواده و تربیت فرزند در سیره رضوی، مسئله‌ای حیاتی و برنامه‌ای هدفمند است و این نوشتار در پی بازشناسی سیره تربیتی امام رضا (علیه‌السلام) در تشکیل خانواده و تربیت فرزند است.

الف. تقاضای فرزند سالم از خداوند

از نعمتهایی که خداوند به انسان عطا می‌کند، فرزند سالم می‌باشد. همه‌ی زوج‌های جوان همواره یکی از اهداف خود را از آغاز زندگی و تشکیل زندگی مشترک همین امر مهم قرار



داده‌اند. چه خوب است که همواره از خداوند بخواهند که اگر خداوند به آن‌ها فرزندی عطا می‌کند، سالم و اهل صالح عطا کند.

یکی از شاخه‌های حب ذات در وجود انسان علاقه به فرزند است. این علاقه ناشی از دو عامل است:

پشتیبانی و دلگرمی در زندگی:

معمولاً والدین در پیری و در هنگام بیماری و بسیاری از مشکلات زندگی توسط فرزندان خود مورد حمایت قرار می‌گیرند و کسانی که از این نعمت بی بهره‌اند در مشکلات و هنگام پیری و بیماری از این نعمت هیچ بهره‌ای نمی‌برند.

دوستی بقاء و ادامه ی حیات:

«معمولاً والدین بر اساس میل طبیعی فرزند خواهی انتظار دارند که بعد از مرگشان فرزند با انجام اعمال خیر و نیک برای آنها دائماً خیر و پاداش بفرستند.» (کتابچی، ۱۳۷۹: ص ۷۲)

در بیانی از بیانات امام رضا (علیه السلام) چنین آمده است:

«هر کس بمیرد و از خود فرزندی به یادگار نگذارد مثل این است که هرگز میان مردم زندگی نمی‌کرده و حیاتی نداشته است؛ اما هر کس از دنیا برود و از خود فرزندی به یادگار گذارد مثل این است که نمرده و در میان مردم حیات دیگری دارد.» (طبرسی، بی تا: ص ۲۱۹)

از مهم‌ترین نعمت‌ها برای والدین سلامت است. کودکی که از نظر روحی و جسمی سالم به دنیا بیاید می‌توان گفت که پنجاه درصد از خوشبختی او در حین تولدش تأمین شده است. مسلماً چنین فردی با آرامش خاطر می‌تواند به تمنیات مشروع خود پاسخ دهد. ولی کودکی که ناسالم بدنیا آمده است پیوسته روانش آشفته است و مسلماً مانند یک فرد سالم نمی‌تواند



زندگی کند.

از دیدگاه امام رضا (علیه السلام) در ادوار زندگی انسان سه روز است که بزرگترین تحول در آن به وقوع می پیوندد.

روز ولادت

روز مرگ

روز قیامت

در روز ولادت نوزاد پس از نه ماه مسافرت و سپری کردن ایام پر فراز و نشیب در رحم مادر، آن بستر را ترک می کند و به عالم دنیا انتقال می یابد و تمام شرایط زندگی دگرگون می شود و کلیه صفات مطلوب و نا مطلوبی که از پدر و مادر دور و نزدیک خود به ارث برده با خود به دنیا می آورد و اوضاع و احوالش تثبیت می شود. (کتابچی، ۱۳۷۹: ص ۷۲)

۱. نقش و جایگاه فرزند در زندگی:

سعادت خانواده با داشتن فرزند بهتر تأمین می شود چرا که با وجود فرزند به فضای خانواده گرمی و نشاط می بخشد و والدین را به تلاش وادار می کند و این در صورتی است که خانواده ای که دارای فرزند نباشد دیری نمی گذرد که زندگی آنها به پژمردگی می انجامد. در زندگی که والدین صاحب فرزند می شوند تکاپو و نشاط خاصی صورت می گیرد و هر کدام چه پدر و مادر وظایفشان سنگین تر می شود و هرکدام باید تلاش و کوشش خود را افزون کنند چرا که مسئولیت موجود دیگری را نیز بر عهده دارند.

از امام رضا (علیه السلام) نقل شده است که:

«هرگاه خداوند بخواهد خیر و سعادت به بنده ای روی آورد، او را نمی میراند تا اینکه دارای فرزند گردد و در زمان حیات خویش نسل و اولاد خود را مشاهده کند.» (مجلسی،

۱۴۰۳ق: ج ۱۰۱، ص ۹۱)



۲. نقش پدر و مادر در تأثیر پذیری فرزند:

در تاریخ داستان‌های مختلفی در مورد این موضوع که چه مقدار کودک از پدر و مادرش الگو می‌گیرد بارها و بارها شنیده‌ایم در اینجا به داستانی در همین باب ذکر خواهد شد:

صاحب بن عباد مرد خیلی با سخاوتی بوده است خودش می‌گفت: من این سخاوت را از مادرم برداشتم می‌کردم برای اینکه مادرم هر روز که می‌خواستم به مدرسه بروم پولی به من می‌داد و می‌گفت: این را صدقه بده و همین امر باعث شد که من سخی بشوم و من فهمیدم که همانطور که انسان به فکر خودش است باید به فکر دیگران هم باشد. از همان روز اول غذایی که تهیه می‌کنید این غذا را بدهید به آن بچه و بگویید به نیازمندان بدهد ...

پدر و مادر باید در هر سنی که کودک قرار دارد برای هر کار خوب او، او را تشویق کنند و همچنین برای انجام کارهای بد و زشت او را تنبیه کند البته باید این تشویق‌ها و تنبیه‌ها متناسب با سن کودک باشد.

یکی از حقوق شمرده شده تقوا می‌باشد به این صورت که پدر و مادر باید از همان ابتدا کاری کنند تا این امر مهم به صورت ملکه‌ای برای کودک درست شود تا در زمانیکه کودک به سن تکلیف رسید، احتیاجی به تذکرات مکرر نباشد به صورتی که ما در بسیاری از موارد شاهد این هستیم که والدین از این موضوع رنج می‌برند که فرزندشان مثلاً نسبت به دین بی‌اهمیت است و این بخاطر همین موضوع است که در کودکی فرزند به درستی از والدینش الگو برداری نکرده است.

چه خوب است از همان کودکی فرزندانمان را با نماز خواندن خو دهیم؛ مثلاً هر بار به نماز می‌ایستیم او را نیز تشویق کنیم تا با ما به نماز بایستد تا کم‌کم خود کودک به این سمت کشیده شود. در بقیه فریضه‌ها چه واجب و چه مستحب بهتر است ابتدا پدر و مادر خود انجام دهند و به بهانه‌های مختلف کودک را تشویق کنند مثلاً او را در ماه رمضان تشویق کنند تا حتی برای نصف روز هم که شده تمرین روزه داری بکنند وقتی با روی باز و خوش در برابر



این عملش مواجه شود به سمت دین کم کم کشیده می‌شوند.

در مورد ادب فرزندان هم همین طور است. خدا نکند کسی بی ادب باشد اما اگر چه گناه هم نباشد اما در جامعه همه او را طرد می‌کنند و کمتر کسی حاضر است تا با او رابطه برقرار سازد و اگر پسر و دختری از جامعه مطرود شوند عقده‌ای خواهند شد و بعد از آن هم عواقب بسیار بد دیگری را در پی خواهد داشت.

وظیفه‌ی سنگین پدر و مادر این است که بچه را مؤدب کنند و به او خوب گفتن و خوب نشستن و خوب نگاه کردن و ... را از همان کودکی به کودک بیاموزند و این بستگی به رفتار والدین چه با یکدیگر و چه با اطرافیان دارد.

در هر حال پدر و مادر نقش بسیار سنگینی در این امر بزرگ و مهم دارند. (مظاهری،

۱۳۷۸: ص ۸ و ۹)

۳. تربیت فرزند وظیفه‌ی سنگین والدین:

اولین مکانی که کودک در آن وارد می‌شود کانون گرم خانواده است و دو رکن اصلی خانواده، پدر و مادر می‌باشند.

واجب است بر هر پدر و مادری که کودک را در مسیر راست و مستقیم قرار دهند و زمینه‌ی سعادت فرزند را از همان ابتدا فراهم کنند و این که بعد چه می‌شود را باید از خداوند متعال بخواهند تا بهترین‌ها را برای فرزندشان قرار دهد. (مظاهری، ۱۳۷۸: ص ۱۲)

ب. تدریجی بودن تربیت

تربیت جریانی مستمر و فعالیتی تدریجی است که نه مرز می‌شناسد و نه زمان و مکان، بلکه به درازای عمر است. درخت تربیت زود ثمر نمی‌دهد و نباید انتظار داشت یک شبه یا چند ماهه در امر ظریف و پیچیده تربیت معجزه انجام گیرد؛ بلکه باید از سال‌ها قبل از تولد زمینه تربیت صحیح را فراهم کرد و بعد از تولد، به تدریج با صبر و حوصله، به انجام آن



پرداخت.

در سیره ائمه اطهار (علیهم السلام) و دیدگاه‌های آنان مسائلی چون انتخاب همسر شایسته، لزوم رعایت آداب ازدواج، توجه به مواقع و شرایط انعقاد نطفه، مراقبت‌های ایام بارداری و ... حکایت از این نکته مهم دارد.

۱. انتخاب همسر صالح و شایسته:

سفوان بن یحیی از امام رضا (علیه السلام) نقل کرده است که فرمود:

«هیچ سودی برای مرد بهتر از همسر صالح که هنگام دیدن وی شوهر خوشحال شود و در غیاب شوهر نگهدار خود و اموالش باشد، نیست.»
همچنانکه زن باید صالح و شایسته باشد، مرد نیز باید شایسته باشد. بر والدین است که برای دخترانشان، شوهران شایسته و صالحی انتخاب کنند.

حسین بن بشار واسطی می‌گوید:

خدمت امام رضا (علیه السلام) نامه نوشتم که یکی از بستگانم از دخترم خواستگاری کرده است، ولی مرد بد اخلاقی است. [آیا صلاح هست که دخترم را به ازدواج او در آورم؟]
حضرت فرمود: اگر بد اخلاق است، دخترت را به ازدواج او در نیاور.

۲. رعایت آداب ازدواج:

بعد از انتخاب همسر شایسته، در طلیعه ازدواج باید مهمترین هدف ازدواج که همان تربیت فرزندان صالح است، مورد توجه باشد و یاد خداوند متعال میهمان قلب‌های پاک زن و مرد بوده و آن‌ها باید، ضمن رعایت سایر آداب نکاح، از خداوند فرزند سالم و صالح طلب کنند.

در کتاب شریف فقه‌الرضا که به حضرت رضا (علیه السلام) منسوب است، در مورد اولین برخورد زن و مرد، خطاب به شوهر، چنین آمده است:



هنگامی که زن به خانه تو وارد شد، پیشانی‌اش را بگیر، او را به طرف قبله بنشان و بگو: «خداوندا، او را به امانت گرفته‌ام و با میثاق تو بر خود حلال کرده‌ام، پروردگارا، از او فرزند با برکت و سالم روزی‌ام کن و شیطان را در نطفه‌ام شریک مساز و سهمی برای او قرار مده.» (تربیت فرزند از منظر امام رضا، ماهنامه کوثر، شماره ۱۷)

۳. مراقبتهای ایام بارداری:

بعد از انعقاد نطفه، مراقبت‌های ایام بارداری بسیار مهم و ضروری است. توجه به وضعیت روانی همسر، گستراندن بستر آرامش در منزل و خارج آن و نیز تغذیه مناسب و سالم از ضرورت‌های این دوره است.

علاوه بر غذای سالم و مقوی، استفاده از برخی میوه‌ها و خوراکی‌ها می‌تواند در آینده کودک و شخصیت و صفاتش مؤثر باشد، بدین جهت، معصومان (علیهم السلام) بهره‌گیری از برخی خوردنی‌ها را در ایام بارداری توصیه کرده‌اند.

محمد بن سنان از امام رضا (علیه‌السلام) نقل کرده است که آن حضرت فرمود:

«همسران باردارتان را کندر دهید، اگر حمل آن‌ها پسر باشد، پاکیزه قلب و دانشمند و شجاع خواهد شد و اگر دختر باشد، خوش اخلاق و زیبا می‌شود و نزد شوهرش منزلت می‌یابد.»

ناگفته پیداست که این نوع خوراکی‌ها علت تامه پدیدآمدن این صفات نیست و عوامل دیگر هم مؤثر است.

در سخن دیگری از امام رضا علیه السلام آمده است:

«خوردن انار شیرین آدمی را در امور جنسی نیرومند می‌سازد و در زیبایی فرزند تأثیر

بسیار زیادی دارد» (کتابچی، ۱۳۷۹: ص ۸۰ و ۸۱)



ج. سنت های اسلامی در بدو تولد

بعد از تولد، کودک قدم به جهانی نو می‌گذارد. ابتدا باید آوای توحید را در گوش نوزاد زمزمه کرد، فضای هستی‌اش را از نسیم خوش توحید و بندگی، عطرآگین ساخت و با افشاندن بذر توحید سرزمین وجودش را از لاله‌های زیبای ذکر الهی سرشار کرد.

امام رضا (علیه السلام) فرموده است:

«هرگاه فرزندی به دنیا آمد، در گوش راست او اذان و در گوش چپ او، اقامه بخوان» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۱۰۱، ص ۱۱۶)

روایات اسلامی، فلسفه این عمل را در ابتدای تولد کودک، پناهی در برابر القائات و لغزش‌های شیطانی ذکر کرده‌اند. (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۸۱، ص ۱۶۲)

نامگذاری:

یکی از حقوق مسلم کودک بر والدین، انتخاب نام نیک و شایسته برای اوست. اهمیت این موضوع به قدری است که در متون اسلامی، فصل جداگانه‌ای به نام «باب الاسماء و الکنی؛ باب اسمها و کینه‌ها» و «باب نامگذاری» وجود دارد. در واقع پدر و مادر باید قبل از تولد برای فرزند خود نام زیبایی انتخاب کنند که در طول زندگی، سبب عقده و شرمندگی نشود؛ بلکه از مظاهر تجلی شخصیت وی باشد.

امام رضا (علیه السلام) فرموده‌اند:

«فرزند خود را به بهترین اسم و کنیه نامگذاری کن» (فرید، ۱۳۷۷: ج ۱۳، ص ۱۴۹)

امام رضا (علیه السلام) درباره اهمیت نامگذاری فرزندان به نام‌های نیکو می‌فرماید:

«در خانه‌ای که کسی به نام محمد یا احمد یا علی یا حسن یا حسین یا جعفر یا طالب یا عبدالله و از زنان به نام فاطمه وجود داشته باشد، فقر و تنگدستی راه نخواهد یافت.»

(مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۱۰۱، ص ۱۳۱)



و یا در اهمیت نام «محمد» فرموده است:

«خانه‌ای که در آن محمد باشد، اهل آن خانه بامداد و شامگاهشان با خیر و برکت، توأم

خواهد بود.» (حر عاملی، ۱۴۱۴ق: ج ۱۵، ص ۱۲۷)

گشودن دهان بچه با آب فرات و غسل:

یکی دیگر از سنت‌های مستحبی که امام رضا (علیه السلام) به آن توجه نموده، این است

که دهان فرزند را پس از تولد، با آب فرات و یا غسل بگشایند.

آن امام همان در این رابطه فرموده‌اند:

«و اگر توانستی دهان بچه را با آب فرات یا با غسل بگشا، در ساعتی که به دنیا آمده

است.» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۸۱، ص ۱۶۲)

این دستور، دقت دین مبین اسلام را می‌رساند که برای لحظه، لحظه زندگی برنامه

دارد؛ حتی برای چگونگی بازگشایی دهان کودک. (آقا خاتمی زنجان، ۱۳۷۰۱: ج اول، ص ۷۰)

ختنه، عقیقه، تراشیدن مو و بهداشت:

در اسلام برای نوزاد، سنت‌های گوناگونی همچون: ختنه، عقیقه، تراشیدن موهای سر،

بهداشت، خواب و استراحت کودک و ... توصیه شده است. از امام رضا (علیه السلام) در این

باره به شرح ذیل روایاتی صادر شده است.

آن حضرت درباره‌ی ختنه فرموده است:

«حضرت رسول فرموده است: فرزندان خود را روز هفتم تولد ختنه کنید؛ زیرا این

پاک‌تر است و موجب می‌شود زودتر گوشت بروید.» (صدوق، ۱۴۰۴ق: ج ۲، ص ۲۸)

همچنین درباره‌ی عقیقه و تراشیدن موی سر، حضرت امام رضا (علیه السلام) به مأمون در

نامه‌ای می‌نویسد:



«عقیقه برای مولود پسر و دختر واجب است. همچنین نامگذاری فرزند واجب است و تراشیدن سرش در روز هفتم ولادت و به وزن موی او صدقه داده شود، طلا یا نقره.»
البته در کتب فقهی مراجع محترم از این امور به عنوان امور واجب نام برده‌اند و امر در روایت را دال بر وجوب نگرفته‌اند.

آن حضرت (علیه‌السلام) دربارهٔ بهداشت کودک نیز فرموده است:
«حضرت رسول فرمود: کودکان خود را از آلودگی ناشی از چربی بشوید و پاکیزه کنید؛ زیرا شیطان، بوی چربی را استشمام می‌کند و در خواب، کودک را به وحشت می‌اندازد.»
(صدوق، ۱۴۰۴ق: ج ۲، ص ۶۹)

اولویت دادن به شیر مادر:

معمولاً کودک تا زمانی که استعداد هضم غذاهای متنوع را ندارد به شیر احتیاج دارد و او فقط از شیر مادر لذت می‌برد زیرا شیر مادر است که ضامن سلامت نوزاد است و تعادل کودک را تامین می‌کند.

«حضرت رضا(علیه‌السلام) از پدرانیش روایت فرموده‌اند که حضرت رسول فرمود: برای کودک چیزی بهتر از شیر مادرش نیست.»
در کلام دیگری آمده است:

سعدبن سعد اشعری روایت کرده است که از ابی الحسن الرضا (علیه‌السلام) سؤال کردم که آیا کودک بیش از دو سال شیر می‌خورد؟
پس فرمود: دو سال

گفتم: اگر از دو سال زیادتر شد آیا بر پدر و مادرش چیزی است؟
فرمود: نه.

نوزاد انسان گلی نو رسیده است که به تدریج به رشد و شکوفایی می‌رسد. به ثمر



نشستن گل، به مراقبت دائمی باغبان نیاز دارد. والدین، به ویژه مادر، باغبانان دلسوز زندگی اند و گل‌های معطر زندگی‌شان به مراقبت همه جانبه آنان نیاز دارد.

مراقبت از سلامت جسمانی، تغذیه مناسب، تأمین آرامش و سلامت روانی و تأمین نیازهای عاطفی نوزاد، در رشد جسمانی، عاطفی و تکامل معنوی‌اش تأثیر بسزا دارد. به ویژه در نخستین روزهای زندگی که نوزاد، به خاطر بیگانگی با محیط جدید و ضعف و ناتوانی، به مراقبت و توجه افزون‌تر نیازمند است.

حکیمه خواهر امام رضا (علیه‌السلام) گفته است:

وقتی زمان وضع حمل خیزران، مادر حضرت جواد (علیه‌السلام) رسید، حضرت رضا (علیه‌السلام) مرا صدا زد و فرمود: هنگام وضع حمل، پیش او حاضر باش و همراه او و قابله درون اتاق برو. آنگاه حضرت چراغی در اتاق گذاشت و در آن را بست. هنگام وضع حمل خیزران، چراغ خاموش شد و او ناراحت گردید.

در این وضعیت بودیم که حضرت جواد (علیه‌السلام) به دنیا آمد در حالی که بر روی او چیز نازکی مانند پارچه بود، نورش تمام اتاق را روشن کرد و ما به آن نگاه می‌کردیم. آنگاه او را در آغوش گرفتم و آن پرده را از او جدا کردم. در این هنگام امام رضا (علیه‌السلام) آمد، در اتاق را باز کرد، جواد (علیه‌السلام) را گرفت، در گهواره گذاشت و به من فرمود: «یا حکیمه الزمی مهده» حکیمه مراقب گهواره‌اش باش ...

صدقه برای سلامتی فرزندان:

صدقه از ماده «صدق» و به معنای راستی کامل است و در اصطلاح شرع، صدقه بر مالی اطلاق می‌شود که با قصد قربت، به مصرف اصلاح امور مردم و رفع نیازمندیهای فردی و اجتماعی برسد و همچنین بر هر عملی که از طریق خدمت و احسان به نوع انجام گیرد، «صدقه» گفته می‌شود.



هر مسلمانی بواسطه‌ی آموزه‌های قرآنی و روایی، کمک به نیازمندان را در برنامه‌های خود منظور می‌دارد و از صرف مقداری از توانایی‌های خود در رفع نیامندی‌های نیازمندان دریغ نمی‌کند؛ زیرا او دریافته است که هر چه را در راه خدا انفاق کند، خداوند، جای آن را پر می‌کند و او بهترین روزی دهندگان است.

از بعضی احادیث استفاده می‌شود که پیشوایان معصوم، گاهی پیش از آنکه صدقه‌ای را به شخص نیازمند بدهند، نخست، دست خود را به علامت احترام و تعظیم می‌بوسیدند، سپس آن را به نیازمندان می‌دادند و یا اینکه نخست آن را به نیازمندان می‌دادند. بعد از او می‌گرفتند و آن را می‌بوسیدند و می‌بوییدند و به او باز می‌گردانیدند؛ چرا که با دست خدا روبه‌رو بوده‌اند.

حضرت رضا (علیه السلام) در اهمیت دادن صدقه برای سلامتی فرزندان، روایت ذیل را با مضمون داستانی بیان کرده که ذکر آن، خالی از لطف نیست:

«چند سالی در بنی اسرائیل خشک سالی شدیدی پدید آمد. زنی لقمه نانی داشت، آن را در دهانش قرار داد که بخورد، سائلی صدا زد این کنیز خدا! گرسنه‌ام. زن [با خود] گفت: در این زمان صدقه می‌دهم پس لقمه را دهانش خارج کرد و به فقیر داد. این زن بچه کوچکی داشت که در حال جمع‌آوری هیزم از صحرا بود که گرگی آمد و او را برد. در این هنگام مادر صدایش را شنید و دنبال گرگ دوید. پس خداوند متعال جبرئیل را فرستاد و غلام را از دهان گرگ خارج کرد و به مادرش برگرداند. پس جبرئیل به او گفت: ای کنیز خدا! آیا به این لقمه به جای آن لقمه راضی شدی؟» (کتابچی، ۱۳۷۹: ص ۱۲۳)

د. گام‌هایی در تربیت فرزند

۱. محبت و تشویق بر اساس لیاقت

محبت داروی شفابخش دردها، تسکین‌دهنده قلب‌هاست و بهترین راه حل مشکلات و



ناسازگاری‌های تربیتی است. محبت بجا، در هر مکان و زمان و در هر مقطع و سن، وسیله‌ای کارآمد و مؤثر است.

همگان، در هر سن و موقعیت، به عاطفه و محبت نیازمندند. اما کودکان، نوجوانان و جوانان بیش از دیگران تشنه جام زلال محبتند. رفتار نابجا و ناقصشان را محبت اصلاح می‌کند و ناسازگاری و پرخاشگری نابجایشان را داروی محبت از میان می‌برد. آری، با محبت می‌توان بسیاری از گره‌ها را گشود و راه‌های ناهموار را هموار کرد.

امام رضا (علیه‌السلام) از این شیوه مؤثر تربیتی به شکل‌های گوناگون بهره می‌گرفت. با مطالعه‌ی روایات تعلیم و تربیت متوجه می‌شویم که محبت به فرزندان بر اساس لیاقت‌ها و شایستگی‌های خاص آن‌ها، امری اجتناب‌ناپذیر است. البته باید متوجه بود که این محبت اسباب کینه‌توزی و دشمنی را به وجود نیاورد.

سعد بن سعد اشعری می‌گوید:

از ابوالحسن الرضا (علیه‌السلام) در مورد مردی که بعضی از فرزندان را بیش‌تر دوست دارد و بعضی را بر بعضی دیگر ترجیح می‌دهد، سؤال کردم.

حضرت فرمود: آری، امام صادق (علیه‌السلام) نیز این گونه رفتار می‌کرد، به «محمد» علاقه بیش‌تری نشان می‌داد و حضرت موسی بن جعفر (علیه‌السلام) نیز به «احمد» علاقه داشت، هنگامی که از جای خود برخاستم، عرض کردم: فدایتان شوم، مردی که دختر خود را از پسرش بیش‌تر دوست دارد، [همان حکم را دارد]؟ حضرت فرمود: پسر و دختر در این حکم با هم مساوی‌اند. شأن هر کس از آنها به اندازه‌ای است که خداوند بر ایشان قرار داده است. «(شریف القرشی، ۱۳۸۲: ص ۵۵۰)

این روایت نشان می‌دهد که دوستی فرزندان نیز باید مبنایی ارزشی و بر اساس شایستگی‌ها باشد؛ در حالی که تفاوت جنسی فرزندان نمی‌تواند باعث تبعیض در محبت و علاقه شود.



از امام رضا (علیه‌السلام) روایت شده است، روزی حضرت موسی بن جعفر (علیه‌السلام) در محضر پدرش (امام صادق علیه‌السلام) سخنی گفت که باعث شگفتی، سرور و شادی پدر شد. حضرت امام صادق (علیه‌السلام) در مقام تشویق فرزند خود به او خطاب کرد و فرمود:

«ای فرزندم! سپاس خدای را که تو را جانشین و خلف پدران و مایه سرور و بهجت فرزندان و جانشین دوستان قرار داد.» (کتابچی، ۱۳۷۹: ص ۹۸)

یعنی فرزندم، تو با این شایستگی و لیاقتی که از خود نشان می‌دهی، هم بهترین خلف و جانشین پدر هستی و هم بهترین فرزند و مایه روشنایی چشم پدر و هم بهترین یار و مونس پدر و به جای دوستان او هستی.

۲. احترام

یکی از وظایف قطعی هر خانواده‌ای این است که کودک را به دیده تکریم و احترام نگریسته و آنان را مشمول عواطف و نیکی‌های خویش قرار دهند.

بی‌شک هر انسانی در هر مقطع سنی، با توجه به برداشتی که از ارزش و منزلت خویش دارد، برای خود احترام و شخصیت قائل است. هر انسانی خود را دوست دارد و دوست دارد که مورد احترام دیگران واقع شود.

کودک و نوجوان نیز هر چند به رشد اجتماعی و عقلانی کافی نرسیده است، اما برای خود احترام قائل است. بدین جهت رفتار احترام‌آمیز والدین و مربیان نقش مؤثری در تربیت و رشد او دارد.

امام رضا (علیه‌السلام) برای جواد (علیه‌السلام) احترام بسیار قائل بوده و از این شیوه مؤثر در تربیت فرزند بسیار بهره می‌برد.

محمد بن ابی‌عباد که به تصویب فضل بن سهل امور نگارش حضرت رضا (علیه‌السلام) را به عهده گرفته بود، می‌گوید:



حضرت رضا (علیه‌السلام) همواره از فرزند بزرگوارش محمد با کنیه [که نزد عرب علامت بزرگداشت و احترام است] نام می‌برد و می‌فرمود: ابو جعفر به من چنین نوشت و من به ابوجعفر چنین نوشتم. با آنکه امام جواد (علیه‌السلام) در مدینه به سر می‌برد و کودکی بیش نبود، حضرت رضا (علیه‌السلام) وی را بسیار احترام می‌کرد و نامه‌هایی که از حضرت جواد به وی می‌رسید، با کمال بلاغت و نیکویی پاسخ می‌داد. (ماهانامه کوثر، ش ۱۷)

نمونه‌هایی از تکریم و احترام به شخصیت کودکان عبارتند از:

سلام کردن به آنها

نام آنان را با احترام بردن و برای آنان همچون بزرگسالان ارزش قائل شدن.

معاشرت نیکو و مهر ورزی به آنها.

نگاه محبت آمیز به او.

دلجویی و نوازش او.

همبازی شدن با او.

خودداری از ملامت و سرزنش کردن او.

...

امام رضا (علیه‌السلام) از پدراننش روایت کرده است که:

امام حسن و امام حسین (علیهما‌السلام) تا مقداری از شب گذشته در خانه‌ی پیامبر بازی می‌کردند. پس پیامبر فرمود نزد مادرشان بروید.

امام حسن و امام حسین (علیهما‌السلام) از خانه بیرون رفتند پس برقی زد و فضای زمین روشن شد. دو برادر به خانه رسیدند. رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) به روشنایی نگریست

و فرمود: سپاس خدای را که ما اهل بیت را گرامی داشت. (کتابچی، ۱۳۷۹: ص ۹۲)



۳. صحبت کردن با کودک:

قدرت درک کودک اندک است و توان فهم معانی کلمات را ندارد. در عین حال سخن گفتن با او نشانه توجه والدین به اوست. کودک این توجه رانوعی اظهار محبت و ابراز عاطفه می داند و با تمام ضعف و نقصان، گاه با لبخندو زمانی با حرکات دست و پا به آن پاسخ می دهد. علاوه بر این، مشاهده چگونه سخن گفتن والدین، به ویژه حرکات لب، زمینه مساعدی برای آموزش سخن گفتن کودک پدید می آورد.

کلیم بن عمران می گوید: به امام رضا (علیه السلام) گفتم:

از خدا بخواه به توفرنندی دهد. حضرت فرمود: من صاحب یک فرزند می شوم و او وارثم خواهد شد. هنگامی که امام جواد (علیه السلام) به دنیا آمد، حضرت رضا (علیه السلام) به اصحابش فرمود: فرزندی به دنیا آمد که شبیه موسی بن عمران شکافنده دریاست و مانند عیسی بن مریم مادرش پاک و مطهر است.

راوی در ادامه می گوید: «و کان طول لیلته یناغیه فی مهده» حضرت در تمام طول شب با

او صحبت می کرد. (ماهنامه کوثر، ش ۱۷)

۴. نظارت والدین

زندگی صحنه درس و تجربه است. آنان که بیشتر عمر خود را در کسب تجارب صرف کرده اند، در رویارویی با دشواری ها از توان فزوتتر برخوردار هستند. کودکان و نوجوانان بهره کمتری از تجربه دارند و بدین سبب به نظارت و کمک والدین نیازمندترند.

نظارت مستمر و حساب شده بر وضعیت اخلاقی، تحصیلی و رفتاری فرزند، یک ضرورت انکارناپذیر در امر تربیت است. البته این نظارت باید منطقی و حتی الامکان غیر مستقیم و بجا باشد.

نکته مهم این است که نظارت به مواقع حضور والدین، به ویژه پدر، در کانون خانواده



اختصاص ندارد؛ بلکه حتی وقتی پدر برای مدتی از کانون خانواده فاصله می‌گیرد و حضور فیزیکی ندارد، باید همچنان از وضعیت فرزندانش آگاه باشد و بر کار آن‌ها نظارت کند. سفارش‌های پیش از مسافرت و مکاتبه با فرزند در طول سفر، امری ضروری و کارساز است. حضرت رضا (علیه‌السلام) که به سبب ستم فرمانروایان ناگزیر مدتی دور از وطن و خانواده به سر برد، به شکل‌های گوناگون همچون نامه و پیام‌های شفاهی از دور بر وضعیت فرزندش جواد (علیه‌السلام) نظارت می‌کرد و راهنمایی‌های لازم را به وی ارائه می‌دادند. چنانکه پیش از رفتن به خراسان درباره فرزندانش آنچه شایسته می‌نمود، سفارش کرد. اشاره به دو نمونه از رفتار آن حضرت در این زمینه بسیار سودمند می‌نماید. (ماهنامه کوثر، ش ۱۷)

۵. اجرای عدالت و امنیت در محیط خانواده

از شرایط لازم برای ایجاد نظم و انضباط و جلوگیری از هرج و مرج در محیط کوچک خانواده حسن مدیریت پدر می‌باشد.

پدرانی که متوسل به زور و خشونت و ستمگری به اعضای خانواده می‌شوند و آنان را اجبار به عمل به دستورات خود می‌کنند، ظلم بسیار بزرگی مرتکب شده‌اند و باید این مطلب بسیار مهم را بدانند که جلوی رشد معنوی و کمال فرزندشان را می‌گیرند.

گاه نیز مادران نادان این اعمال زشت را مرتکب می‌شوند و کودکان خود را درک نمی‌کنند و به شخصیت آنان هیچ توجهی ندارند و برای آرام ساختن کودکان از قوه‌ی تخیل آن‌ها سوء استفاده می‌کنند و آن‌ها را از موجودات موهوم و افسانه‌ای چون (لولو) و (غول) و یا موجودات واقعی همچون (سگ) و (گربه) و (گرگ) می‌ترسانند و سعی می‌کنند آن‌ها را از این طریق آرام سازند. این روش تربیتی بسیار نادرستی می‌باشد و بر خلاف موازین شرع و عقل می‌باشد و ناکامی‌های غیر قابل جبرانی را برای فرزندان به بار می‌آورد. (کتابچی، ۱۳۷۹:



از امام رضا (علیه‌السلام) نقل شده است که:

«برای هیچ مسلمانی شایسته نیست که مسلمانی را به وحشت بیاندازد»

راههای برقراری امنیت روانی در فرزندان:

خودداری از ترساندن اعضای خانواده به هر شکل.

نیرومند ساختن کودک در مقابل وحشت و ترس.

پاسخگویی مستدل و منطقی به مشکلات روانی فرزندان.

تلقین بی باکی به آنها.

ارائه الگوهای بی باکی به فرزندان. هر گاه والدین ترسو باشند نمی توانند برای فرزندان

خود سرمشق بی باکی باشند.

پرهیز از جر و بحث های خانوادگی در حضور فرزندان.

امام رضا (علیه‌السلام) فرموده است:

«همانا خداوند جدال بی مورد را بسیار ناخوش می‌دارد» (حرعاملی، ۱۴۱۴ق: ج ۱۵، ص ۲۲۸)

۶. خود اتکایی

توجه به استقلال و خوداتکایی از نکات مهم تربیتی است. همگام با رشد جسمانی و افزایش سن، توقعات و انتظارات مردم از کودک افزایش می‌یابد و او باید خود را برای ایفای نقش در جامعه آماده سازد. از طرفی وابستگی فرزند به والدین، به ویژه پدر، نه مطلوب است و نه همواره ممکن؛ زیرا امکان پیش آمدن موقعیت ویژه و محروم شدن فرزند از کمک والدین انکارناپذیر است؛ بنابراین، والدین باید ضمن نظارت صحیح و حساب شده به تدریج زمینه استقلال و خوداتکایی را در فرزندانشان به وجود آورند و با واگذاری مسئولیت به آنان، قدرت اداره زندگی را در آنها تقویت کنند.



از نکات بسیار زیبای سیره تربیتی امام رضا (علیه‌السلام) توجه به این امر مهم است. آن حضرت به خوبی برای فرزندش جواد (علیه‌السلام) آینده‌نگری فرمود و چون می‌دانست فرزندش در نوجوانی مسئولیت بزرگ رهبری جامعه اسلامی را به عهده می‌گیرد، با واگذارن مسئولیتها به‌وی، قدرت مدیریت و رهبری را در او تقویت کرد.

امام هشتم (علیه‌السلام) هنگامی که در مدینه بود، اداره امور خویش را عملاً به فرزندش وانهاد و حضرت جواد(علیه‌السلام)، با اینکه کودک بود، به خوبی از عهده این امر برآمد.

حنان بن سدی می‌گوید:

«... پیوسته حضرت جواد (علیه‌السلام) با اینکه در سن کودکی و نوجوانی بود، اداره امور حضرت رضا (علیه‌السلام) را در مدینه به عهده داشت و به خادمان حضرت امر و نهی می‌کرد و هیچ یک از خدمتگزاران با وی مخالفت نمی‌کرد.

این سخن بدان معناست که حضرت جواد (علیه‌السلام) به خوبی مدیریت می‌کرد و آنها با او مخالفت نمی‌کردند.

۷. پرورش بعد عقلانی

تربیت باید همه جانبه باشد. پرورش بعد عقلانی و شکوفا ساختن استعداد منطقی و استدلال در فرزند یکی از مهم‌ترین ابعاد تربیت است. منطقی بار آوردن فرزند سبب می‌شود درست بیندیشد، منطقی تصمیم بگیرد، منطقی رفتار کند و در صورت لزوم، بی‌هیچ هراسی از دیدگاه‌ها و رفتارهای خود دفاع کند. سیره تربیتی حضرت رضا (علیه‌السلام) از این منظر نیز الگویی کامل برای همه رهروان آن حضرت است.

بنان بن نافع نقل می‌کند:

«روزی مأمون از جایی که حضرت جواد (علیه‌السلام) با کودکان بازی می‌کرد، می‌گذشت. کودکان از ترس میدان بازی را ترک کردند و تنها جواد (علیه‌السلام) آنجا ایستاد. مأمون از او



پرسید: چرا همراه بچه‌ها فرار نکردی؟ فرمود: گناهی مرتکب نشدم تا از ترس بگریزم و جاده هم تنگ نیست تا آن را برایت باز کنم، از هر جا می‌خواهی عبور کن. مأمون [از این پاسخ تعجب کرد و] پرسید: تو کیستی؟

حضرت در جواب فرمود:

من محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب
(علیهم السلام) هستم...» (ر.ک: ماهنامه کوثر، شماره ۱۷)

۸. توجه به تفاوت‌های فردی و فرزندان:

از آنجا که زندگی بشر یک زندگی دسته جمعی است و اداره‌ی آن جز از طریق تعاون و خدمت متقابل امکان پذیر نیست، دستگاه آفرینش همه‌ی انسان‌ها را یکسان نیافریده است و در وجود هر فردی یک سری خصوصیات منحصر به فرد قرار داده است که در طی زمان هر فردی می‌تواند بر اساس همان خصوصیات فردی به رشد و کمال نهایی خود دست یابد. زیرا همین اختلاف در کیفیت و توانایی‌هاست که منجر به بوجود آمدن یک سری نقش‌های مختلف می‌شود و چرخه‌ی نظام اجتماعی توسط همین اختلاف‌ها بوجود می‌آید.

یکی از نشانه‌های قدرت پروردگار این است که همان‌گونه که افراد آدمی از نظر قیافه و ساختمان ظاهری مثل رنگ چهره، اجزای صورت، چشم و... باهم متفاوت هستند، از نظر خصوصیات اخلاقی و روانی نیز با یکدیگر متفاوت آفریده شده‌اند.

خداوند با آنکه انسان را با تفاوت استعدادها و شایستگی‌ها آفریده است با این وصف هم به او آزادی داده است و اراده و هم مسئولیت و وظیفه، ولی در عین حال یکی از عوامل بنیادی را نیز تلاش و کوشش او قرار داده است و این حقیقت را روشن ساخته است که شکست و یا پیروزی و سعادت هر فرد وابسته به خودش می‌باشد.



امام رضا (علیه‌السلام) فرمود:

«حضرت علی (علیه‌السلام) فرموده است مردم همواره در خیر و سعادت هستند تا وقتی که از نظر ساختمان فطری و استعداد درونی با یکدیگر تفاوت داشته باشند پس هرگاه با هم مساوی شدند دچار سقوط و هلاکت می‌شوند و از کمال لایق خود محروم خواهند ماند» (کتابچی، ۱۳۷۹: ص ۹۴)

۹. جدیت در تعلیم و تربیت:

دوران جوانی، دورانی پر از بحران و آشوب است، روح جوانان به مقتضای دوره‌ی جوانی همچون دریای خروشان است که همواره تلاطم و طوفانی است و دارای جزر و مدهای سریع و پی‌درپی است.

جوانان، روحی حسّاس، سریع‌التأثیر و پرتوقع دارند، میل به کمال در آن‌ها شدید است؛ ولی معمولاً راه سعادت را نمی‌دانند؛ از این رو بیش از همه، محتاج به هدایت‌اند. اگر از راهنمایی محروم شوند، بر اثر طغیان غرایز به سوی بدبختی و گناه سقوط می‌کنند.

برای اصلاح حال جوانان و نوجوانان، راهی جز آموزش دادن دستورها و قوانین نجاتبخش دین مقدس اسلام نیست. پس بر اولیای محترم لازم است:

اولاً: خود با تعلیم روحبخش اسلام آشنایی داشته باشند؛

ثانیاً: به آن تعلیم عمل کنند

و ثالثاً: عشق و علاقه‌ی به فراگیری تعلیم مذهبی را در فرزندان نهادینه کنند و با تشویق و تنبیه، راه وصول به این هدف را برای آن‌ها هموار نمایند.

امام رضا (علیه‌السلام) درباره‌ی اهمیت آموختن تعلیم دینی برای جوانان می‌فرماید:

«اگر جوانی از جوانان شیعه را بیابم که در مقام فراگیری دانش دین نباشد (برای تنبیه

او) بیست تازیانه بر او خواهیم زد.» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۷۵، ص ۳۴۶)



این روایت نشان می‌دهد که هر فردی از مسلمانان باید با آموزه‌های دینی آشنا باشد، یا به روش اجتهادی و یا تقلیدی. در غیر این صورت، اهل بیت آنها را ملامت می‌کنند.

۱۰. تقویت حس دینی کودک

معمولاً سازندگی شخصیت آدمی از چند ماه پس از تولد آغاز می‌شود در این دوره جوهر روان آدمی از ابتلای به آلودگی پاک است. آموزه‌های کودک در این دوره همچون نقشه‌های کنده شده بر روی سنگ است هر چه سن بالاتر می‌رود آن صفات در ذهنش استوار می‌شود.

والدین می‌توانند با آموزه‌هایی که از زبان پیشوایان دین نقل شده است رکن اساسی شخصیت طفل را بسازند زیرا این آموزه‌ها همچون مشعلی، روشنگر راه انسان‌ها می‌باشد و هر نقطه‌ی انحرافی را به سوی راستی رهنمایی می‌کند. (کتابچی، ۱۳۷۹: ص ۸۹)

اجتناب از آموزش‌های تحمیلی

گاه در برخی خانواده‌ها شاهد این موضوع هستیم که پدر و مادر به امید اینکه فرزندى متدین داشته باشند با بدون در نظر گرفتن ظرفیت ظرفیت روحی فرزند اعمال مستحبی را بر آنان تحمیل می‌کنند و با این روش نادرست یک دل‌سردی در وجود کودک نسبت به دین بوجود می‌آورند.

امام رضا (علیه‌السلام) فرمودند:

«همانا دل‌ها در حالت روی آوردن و گاه پشت کردن و هنگامی که با نشاط و زمانی در حالت سستی و فتورند. پس هرگاه که روی می‌آورند می‌یابند و درک می‌کنند و هنگامی که روی می‌گردانند، سست و ملول شده و از فهم بازداشته می‌شوند، پس در وقت نشاط و روی آوردن از آنها بهره برید و در زمان سستی و روی گردانی آن‌ها را رها کنید» (مجلسی،

۱۴۰۳ق: ج ۷۸، ص ۳۵۳ و ۳۵۷)



آموزش قرآن:

یکی دیگر از راه‌های تعالی و رشد معنویت و باورهای دینی در خانواده، همجواری و در محضر قرآن بودن است؛ و به طُرق گوناگون باید تعالیم قرآن، در بین افراد خانواده شناخته شده و عمل شود.

امام رضا (علیه‌السلام) فرموده است:

«برای خانه‌های خود، بهره‌ای از قرآن کریم، قرار دهید؛ زیرا در خانه‌ای که قرآن قرائت شود، گشایش برای ساکنانش فراهم آید و خیرش فراوان شود و اهل خانه در برکت و فزونی باشند.» (فیض کاشانی، بی تا: ج ۲، ص ۲۲۰)



نتیجه بحث

یکی از سعادت‌های خانواده، داشتن فرزند است و فرزندان به فضای خانه و خانواده، گرمی و نشاط خاصی می‌بخشند.

امام رضا (علیه‌السلام) به عنوان الگوی فکری و رفتاری مسلمانان، شیوه‌های تربیتی خاصی را مطرح نموده‌اند که لازم است والدین برای رشد و بالندگی فرزندان با این روش‌ها و آداب تعلیم و تربیت آشنا بوده و از آن بهرمنند شوند.

در تمام مراحل زندگی انسان‌ها اهدافی را دنبال می‌کنند در زندگی مشترک نیز یکی از اهداف مهم، داشتن فرزند سالم و صالح است و والدین همواره باید طبق فرمایشات امام رضا



(علیه‌السلام) هر لحظه برای این امر مهم دعا کنند تا خداوند متعال به بهترین وجه حاجت آن‌ها را بر آورده کند.

تمام سخنان امام رضا(علیه‌السلام) در این باب بیانگر این مهم است که همواره والدین باید نکاتی را در تربیت فرزند رعایت کنند تا بهترین روش تربیتی را برگزینند و در این امر مهم باید اصل تدریجی بودن تربیت، نام نیک، احترام به فرزند، تقویت حس دینی از طفولیت و ... را رعایت کنند تا بتوانند فرزندانی سالم و با تربیت دینی به جامعه تحویل دهند.



منابع و مأخذ

❖ قرآن کریم (ترجمه آیت الله مکارم شیرازی)

۱. آقا خاتمی زنجانی، بیوک، نظامات اخلاقی و تربیتی اسلام در روایات از معصومین، مرکز

احیاء و نشر آثار علماء، زنجان، ۱۳۷۰

۲. حر عاملی، وسائل الشیعه، تحقیق موسسه آل‌البیت، قم، ۱۴۱۴ق

۳. شریف القرشی، محمد باقر، پژوهشی دقیق در زندگانی امام علی بن موسی الرضا(علیه‌السلام)

، سید محمد صالحی، دارالکتب اسلامی، تهران، ۱۳۸۲

۴. صدوق، ابو جعفر محمد بن علی بن حسین، عیون اخبار الرضا(علیه‌السلام)، موسسه اعلمی،

بیروت، ۱۴۰۴ق

۵. طبرسی، رضی الدین، مکارم الاخلاق، سید ابرهیم میر باقری، انتشارات فراهانی، تهران، بی تا



۶. فرید، مرتضی، الحدیث (روایات تربیتی از مکتب اهل بیت)، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، بی

جا، ۱۳۷۷

۷. فیض کاشانی، ملا محسن، المجمه البیضاء، علی اکبر غفاری، انتشارات اسلامی، قم، بی تا

۸. کتابچی، محسن، آیین زندگی از دیدگاه امام رضا (علیه السلام) الف ۶۰۶۱۳۶-۶۰۶۵۱۱۳،

مشهد ۱۳۷۹

۹. مجلسی، محمد تقی، بحار الانوار، دار احیاء التراث، بیروت، ۱۴۰۳ ق

۱۰. مظاهری، حسین، تربیت فرزند از نظر اسلام، ام ایبها، قم، ۱۳۷۸

۱۱. نشریه، ماهنامه کوثر، مرداد ماه ۱۳۷۷

